

An analysis of the Belief in Prophethood in the Yarsan Cult and the Influence of Don-Na-Don

✉ **Javad Lotfi**  / Assistant Professor, Shia Sects Department, The University of Religions and Denominations
j.lotfi@urd.ac.ir

Mehdi Bayati / PhD Student of Sufism and Islamic Mysticism, The University of Religions and Denominations
tavab432@gmail.com

Ali Yasemifard / PhD in Shia Sects, The University of Religions and Denominations

Received: 2023/07/11 - **Accepted:** 2024/01/23
aliyasemifard851@gmail.com

Abstract

The principle of general and specific prophethood has been observed in the Yarsan sacred texts of and the beliefs of the followers of this cult. This important fact has led to the attribution of the Yarsan to the religion of Islam, as acknowledged by many followers of this cult; however, influenced and mixed with Don-Na-Don ideas and causing some complications, the principle of prophethood has been presented in a different form and has thus lost its originality in the theological foundations of this cult. How prophethood in Yarsan is influenced by Don-Na-Don is shrouded in ambiguity, and previous studies conducted on this subject have not mentioned the connection and influence of prophethood on Don-Na-Don. Therefore, using the descriptive-analytical method and based on Yarsan sacred texts, this study deals with the belief of the followers of this religion in general and specific prophethood and the influence of Don-Na-Don in this regard. The results show that Don-Na-Don has a direct influence on prophethood in the Yarsan cult, causing prophethood to deviate from its original path.

Keywords: Yarsan, Ahl al-Haqq, prophethood, Don-Na-Don.


نوع مقاله: پژوهشی

بررسی و تحلیل باور به نبوت در آیین یارسان و اثرپذیری آن از دونا دون

j.lotfi@urd.ac.ir

tavab432@gmail.com

aliyasemifard851@gmail.com

✉ جواد لطفی /  استادیار گروه فرق تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب

مهدی بیاتی / دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب

علی یاسمی فرد / دکتری فرقه‌های تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳

چکیده

اعتقاد به اصل نبوت عامه و خاصه، در متون مقدس یارسان و در باور پیروان و سرسپردگان این آیین مشاهده گردیده است؛ این مهم سبب انتساب یارسان به دین اسلام شده و بسیاری از پیروان این آیین به آن اذعان دارند؛ اما اصل نبوت در مبانی کلامی این فرقه اصالت خود را از دست داده و با اثرپذیری و آمیخته شدن با اندیشه دونا دون، در قالبی دیگر مطرح شده و پیچیدگی‌های خاصی در این موضوع ایجاد کرده است. موضوع چگونگی اثرپذیری نبوت در یارسان از دونا دون، در هاله‌ای از ابهام است و پژوهش‌های پیشین که در زمینه نبوت در آیین یارسان نگاشته شده، اشاره‌ای به ارتباط و اثرپذیری نبوت از دونا دون نکرده‌اند. بنابراین در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بر اساس متون مقدس یارسان، اعتقاد سرسپردگان این آیین به نبوت عامه و خاصه و تأثیر دونا دون بر نبوت ذکر شده و نتایج به دست آمده آن است که دونا دون تأثیر مستقیمی بر نبوت در آیین یارسان دارد و موجب خروج نبوت از مسیر اصلی آن و ایجاد انحراف شده است.

کلیدواژه‌ها: یارسان، اهل حق، نبوت، دونا دون.

فرقه‌های مختلف با ظهور جریان‌های نوپدید در درون خود همواره دستخوش تغییرات شده‌اند و این جریان‌های درون فرقه‌ای را می‌توان منشأ و عامل تغییر عقاید و بروز ادعاهای جدید در نظر گرفت؛ فرقه یارسان نیز از این قاعده مستثنا نیست. هرچند خاستگاه و نقطه آغازین یارسان به عصر سلطان اسحاق برزنجی‌ای برمی‌گردد، اما با انشعابات درونی، مانند جریان‌های مکتب و یارسانیسیم روبه‌رو بوده است که در باورهای ایشان ادعاهای نوینی مطرح شده است (لطفی و سلطانی، ۱۴۰۰، ص ۲۴۷-۲۷۰). از آنجاکه جریان یارسانیسیم مدعی استقلال آیین یارسان از سایر ادیان الهی است، در تحقیق حاضر تلاش شده است به یکی از باورهای مهم یارسان، یعنی باور به نبوت، پرداخته شود؛ سپس تأثیر دوناودن بر آن بیان گردد تا ضمن بطلان عقیده مدعیان استقلال آیین یارسان، خوانشی انتقادی از باور به نبوت در این آیین از نظر خواننده بگذرد.

آیین یارسان یکی از فرقه‌های فعال ایران بوده که خاستگاه آن غرب کشور، خصوصاً استان کرمانشاه است. بسیاری از پژوهشگران این آیین را یکی از فرقه‌های اسلامی به‌شمار آورده‌اند که در گذر زمان باورهای اسلامی در میان آنها دستخوش تغییرات، التقاط و انحراف شده است (حسینی، ۱۳۹۷، ص ۳۷-۴۵). با وجود این، بسیاری از بزرگان و پیران آنها خود را مسلمان و شیعه خوانده‌اند؛ اما در این میان جریان‌های نوپدیدی بر طبل جدایی آیین یارسان از اسلام می‌کوبند و این آیین را دین مستقل معرفی می‌کنند (مرادی، ۱۹۸۶، ص ۱۲۳؛ طاهری، ۲۰۰۹، ص ۱۲۰). ترویج این تفکر در آینده می‌تواند یکی از عوامل اصلی واگرایی یارسان از اسلام، به‌ویژه تشیع، تلقی گردد. بدین منظور، اصل نبوت به‌عنوان یکی از نقاط پیوند آیین یارسان با اسلام انتخاب شده است تا یکی از ابعاد اسلامی یارسان در متون کهن ایشان تبیین گردد. با مراجعه به منابع مطالعاتی آیین یارسان درباره موضوعات دوناودن و نبوت، پژوهش مستقلی که در این زمینه نگارش شده یا تأثیر دوناودن بر نبوت را مورد توجه خود قرار داده باشد، یافت نشد. حتی در منابعی که درباره عقاید و آموزه‌های پیروان آیین یارسان نگاشته شده، مطالبی مرتبط با عنوان پژوهش حاضر بیان نشده است؛ بلکه تنها به نبوت و دوناودن در آیین یارسان به‌صورت جداگانه پرداخته شده و نوشته‌ای درباره تأثیر دوناودن بر نبوت وجود ندارد. بعد از بررسی منابع مختلف درون و برون‌آیینی یارسان، به برخی از کتب و مقالاتی که به‌صورت جداگانه درباره دوناودن یا نبوت نگاشته شده است، اشاره می‌گردد. منصور رستمی، نگارنده کتاب *شناخت آیین اهل حق (آیین یارسان)*، کلیاتی درباره نبوت عامه و خاصه از منظر یارسان را مطرح نموده است. همچنین محمدعلی سلطانی، مؤلف کتاب *درون‌مایه‌های مشترک در سرانجام، ولایت‌نامه، بویوروق*، با بیان شواهدی کوتاه از کلامات یارسان، بر پذیرش نبوت توسط یارسان تأکید کرده است.

در این فراز، برخی از مکتوباتی که در آنها درباره دوناودن در آیین یارسان اظهار نظر شده است، ذکر می‌شود. کتاب *گلستان یارسان ۱ (دوناودن)*، نوشته محمد اکبری، اندیشه دوناودن را به‌صورت مبسوط از منظر آیین یارسان

بررسی کرده است. مقاله «دونادون به روایت خاندان الهی»، نوشته روح‌الله چاوشی، رابطه دونادون را با تناسخ بررسی کرده و آن را نوعی تناسخ دانسته و در نوشته‌های خود اشکالاتی بر آرا و نظرهای نورعلی الهی وارد کرده است. مقاله «بررسی اندیشه دونادون در باور اهل حق (با تأکید بر دیدگاه مکتبیین)» که نوشته محمود الواری، مهدی انصاری و علی‌اکبر خدری‌زاده است، دونادون را از نگاه جریان مکتب شرح داده و اختلاف دیدگاه جریان مکتب با سایر خاندان‌های آیین یارسان را بیان نموده است.

اهمیت موضوع از این حیث است که تبیین درون‌مایه‌های مشترک آیین یارسان با اسلام و تشیع - که در متون کهن ایشان توسط پیران و رهبران آنها انعکاس یافته و به نسل‌های بعدی منتقل شده است - می‌تواند مانع ترویج تفکرات جریان‌های نوپدید و جدایی‌طلب شود و در راستای هم‌گرایی آیین یارسان با اسلام و تشیع قدم برداشت. از آن روی که بسیاری از عقاید یارسانیان به‌صورت شفاهی به پیروان این آیین منتقل می‌گردد و اغلب ایشان اهتمام زیادی به مراجعه به منابع مکتوب خود و مطالعه آن ندارند و نیز به‌دلیل وجود واژگان مبهم و پیچیده در متون مهم ایشان، فهم مطالب آنها دشوار است؛ همچنین انتقال شفاهی باورهای آیین یارسان، این آیین را در گذر زمان دچار تخلیط و تحریف کرده است؛ از این جهت، تبیین موضوع با استفاده از منابع یارسان به مخاطب یارسانی کمک می‌کند که علاوه بر آشنایی با ابعاد مختلف عقاید خود، از تبعیت مدعیان استقلال آیین یارسان از دین اسلام پرهیز کند. از سوی دیگر، تبیین موضوع یادشده، به مخاطبان غیریارسانی کمک می‌کند که با عقاید و باورهای ایشان آشنا شود و تعاملی سازنده با جامعه یارسان برقرار کند.

سؤال اصلی که در این پژوهش با آن مواجهیم، این است که «تأثیر دونادون بر نبوت در آیین یارسان چگونه است؟» و به‌دنبال آن، این سؤالات فرعی بیان می‌شود: «دونادون در آیین یارسان چگونه تبیین می‌شود؟» و «نبوت در آیین یارسان چگونه مطرح می‌گردد؟»

۱. معرفی آیین یارسان

آیین یارسان از جمله فرقه‌های موجود در ایران است که پیروان آن دارای عقاید و آداب و رسوم خاصی هستند. اندیشمندان و صاحب‌نظران درباره تاریخ پیدایش این آیین اختلاف نظر دارند. سرسپردگان این مسلک نیز نظر واحدی درباره تاریخ پیدایش آن ندارند؛ اما مسلم آن است که مقنن آداب و رسوم آیین یارسان شخصی به‌نام سلطان اسحاق (سهاک) برزنجه‌ای است که در قرن هفتم و هشتم هجری زندگی می‌کرد. این آیین بعد از وی به‌دست پیروانش در مناطق غربی و مرکزی ایران گسترش یافت (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۳۰-۳۳؛ خداینده، ۱۳۸۲، ص ۲۵؛ جیحون‌آبادی، ۱۳۶۱، ص ۶).

اغلب سرسپردگان آیین یارسان مسلک خود را اسلامی - شیعی دانسته، آن را از اسرار انبیا می‌دانند که آموزه‌های آن در زمان امام علی علیه السلام به تعدادی از یارانش تعلیم گردید و این اسرار سینه‌به‌سینه تا قرن هفتم منتقل شد (صفی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲). عده‌ای هم یارسان را آیینی مستقل و غیراسلامی تلقی کرده‌اند که ریشه اعتقادی آن هم‌زمان با

گسترش اسلام در ایران رشد کرده است و منشأ آن را جنبشی اجتماعی - کُردی دانسته‌اند و بر این باورند که این آیین قبل از اسلام وجود نداشته است (مرادی، ۱۹۸۶، ص ۴۸-۴۹).

در سالیان اخیر در میان اهل حق جریانی دیگر به نام «یارسانیسیم» شکل گرفته که تحت دو عنوان «سازمان دموکراتیک یارسان» و «مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان» به فعالیت مشغول است. گروه نخست با اسم مخفف «سَدی» توسط برخی پیروان خارج‌نشین این مسلک به وجود آمده است و در داخل کشور نیز «مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان» با آنان در ارتباط‌اند. سازمان دموکراتیک یارسان با ادعاهای سطحی و غیرمستند، تمام تلاش خود را بر آن داشته است تا به‌عنوان یک مذهب مستقل اعلام وجود کند (لطفی و سلطانی، ۱۴۰۰، ص ۲۴۷-۲۷۰).

شواهد بسیاری از متون مقدس یارسان مبنی بر اعتقاد به دین اسلام وجود دارد. در این میان، شیخ‌امیر زوله‌ای به صراحت خود را مسلمان قلمداد می‌کند و می‌گوید:

«یکتنام پرستن

کافر و یک دین یکتا پرستن

گاو شرط و شون اسلامم بستن» (شاه‌ابراهیمی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۴-۲۷۵).

یعنی: یکتاپرست هستیم. اگر به جرم یک دین داشتن و یکتاپرستی کافر بخوانند، من یکتاپرست هستم. بیا بست (پیمان) و قانون اهل حق و یاری و شرط و اقرار بر پایه اسلام بسته شده است.

منابع مکتوب یارسانیان اذعان دارند که شاه‌خوشین لرستانی (متولد ۱۰۶۰ق)، که مهم‌ترین مظهر حق تعالی بعد از حضرت علی علیه السلام به‌شمار می‌رود (فرخ‌منش، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸-۱۷۳؛ خداپنده، ۱۳۸۲، ص ۳۴)، بر مذهب شیعه بوده است (دلفانی، ۱۳۹۲، ص ۲۶). در کلامی منسوب به شاه‌خوشین آمده است که او خود را مسلمان و پیرو مذهب شیعه اثناعشری معرفی می‌کند و می‌گوید:

سید سرور
خوشین بچه کاسید سرور
دین پاک ما نهادیم مذهب جعفر از لیم علین نامین حیدر
(الهی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹؛ شاه‌ابراهیمی، ۱۳۷۴، ص ۱۷)

یعنی: خوشین طفلی هستیم از خاندان سید سرور / دین پاک ما نهادیم مذهب جعفر / ازل و ابدش از علی است به نام نامی حیدر. داود کوسوار (سوار بر اسب کبودرنگ) - که از سوی سلطان اسحاق برزنجهای وظیفه راهنمایی و آشنا کردن یاران خود را با آداب و رسوم یارسان بر عهده داشته است (مالامیری کجوری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵؛ حسینی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸-۱۱۵) - در کلامی خطاب به سلطان اسحاق می‌گوید:

«سلطان عظیم

تو کاوه معراج من موسی کلیم

تو مرتضی دین من قمبر پیشین» (نیک‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۱۲).

یعنی: ای سلطان بزرگ، تو کعبه معراجی و من موسای کلیم؛ تو علی مرتضایی و من قنبر خدمتکار تو.

آیین یارسان از یازده خاندان تشکیل شده است و همه پیروان آن ملزم به سرسپردن (پابندی) به یکی از خاندان‌هایند (الهی، ۱۳۷۳، ص ۶۰؛ سوری، ۱۳۴۴، ص ۱۷۱؛ مرادی، ۱۹۸۶، ص ۱۱۳؛ خداینده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶؛ صفی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۶۶۴؛ صفی‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۵۹۶). خاندان‌های اولیه یارسانی «شاه‌ابراهیمی، خاموشی، بابایادگاری، عالی‌قلندری، میرسوری، مصطفائی و حاجی باویسی» نام دارند که در زمان حیات سلطان اسحاق در قرن هفتم هجری تأسیس شدند. دیگر خاندان‌های این مسلک، موسوم به «باباجیدری، ذوالنوری، آتش‌بیگی و شاه‌حیاسی» هستند که در قرون یازده تا سیزده هجری پدید آمده‌اند (خداینده، ۱۳۸۲، ص ۴۹۴۵).

آمار دقیقی از تعداد پیروان این مسلک در دست نیست و می‌توان گفت که آمارهای ارائه‌شده صرفاً گمانه‌زنی بوده و فاقد منشا آماری است.

جغرافیای زیستی پیروان آیین یارسان در مناطق مختلف کشور به صورت پراکنده است؛ اما بیشتر در استان‌های کرمانشاه، البرز، آذربایجان شرقی و غربی، تهران، همدان و لرستان سکونت دارند (سلطانی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷؛ خداینده، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

۲. دونادون از منظر یارسان

یکی از مهم‌ترین اعتقادات پیروان آیین یارسان، «دونادون» است و بیشتر باورهای یارسانیان از این موضوع متأثر است (رستمی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶). «دونادون» کلمه‌ای مرکب از سه جزء «دون»، «الف» و «دون» است که در اصطلاح یارسان به معنای از قالبی به قالب دیگر و از جامه‌ای به جامه دیگر است و در معنای گردش ارواح در دوران گوناگون در کالبدهای مختلف به کار می‌رود. این بدان معناست که روح با ورود به جسم‌های متفاوت تجلی کرده، زندگی‌های متعددی را طی می‌کند (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۲۴). بر اساس این اصل، روح انسان هزار جامه را طی می‌کند و پس از هزار و یکمین بدن، که شایستگی و طهارت و تکامل لازم را به دست آورد، به حق واصل می‌شود (رستمی، ۱۳۹۲، ص ۶۷۶۶).

ایشان معتقدند که برای رسیدن به حق تعالی باید مراحل را طی کرد؛ مرحله اول، «شریعت» یا آیین پیامبران است؛ یعنی انجام آداب، فریاض، مناسک و سنن ظاهری دین و شرع؛ مرحله دوم «طریقت» یا اعمال و رسوم عرفانی است؛ مرحله سوم «معرفت»، یعنی عرفان و معرفت کامل به دین و تکامل بشری است و مرحله چهارم، «حقیقت»، یعنی وصول به خداست (حسینی، ۱۳۹۷، ص ۳۲۸). در برخی منابع از این چهار مرحله به «چهارقایی» تعبیر شده است که هر کدام از این چهار مرحله، باب ورود به مرحله بعد محسوب می‌شود (خواجهدین، ۱۳۶۲، ص ۴۱).

مجید القاصی از سرسپردگان و محققان معاصر یارسان درباره تکامل شریعت و مراحل چهارگانه یادشده بر این باور است که طبق اصل تکامل (دونادون)، «شریعت» از دوره آدم صلی الله علیه و آله تا حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله طی نموده است؛ سپس دوره‌ای به نام «معرفت» به وجود آمد که با قبول اصل شرع، به تکامل معنوی انسان همت گماشته شد و عارفانی به وجود آمدند که آنان نیز مرکز تجلی حق بودند؛ بعد از آن، دوره‌ای به نام «طریقت» شکل گرفت که

جویندگان راه حق با معرفتی که حاصل نمودند، در این راه قدم برداشته‌اند؛ و بعد از آنها دوره «حقیقت»، که صورت تکاملی از عرفان و طریقت است، شکل گرفت (القاصی، ۱۳۶۲، ص ۴-۷).

طیب طاهری، از طرفداران جریان یارسانیسیم (لطفی، ۱۴۰۰، ص ۲۵۸)، دربارهٔ مراحل شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت بر این باور است که از پیدایش حضرت آدم ﷺ تا آخرین فرستاده، یعنی خاتم‌الانبیاء ﷺ مرحلهٔ شریعت است؛ مرحلهٔ طریقت از دورهٔ اسلام آغاز می‌شود و تا ظهور شاه‌خوشین لرستانی ادامه می‌یابد؛ مرحلهٔ معرفت از زمان شاه‌خوشین لرستانی تا ظهور سلطان اسحاق برزنجی در قرن هفتم است و مرحلهٔ حقیقت از قرن هفتم، یعنی ظهور سلطان اسحاق برزنجی، آغاز می‌شود و مرحلهٔ تکامل است (طاهری، ۲۰۰۹، ص ۱۴۹-۱۵۰).

۳. اصل نبوت

یارسان از مکتوبات خود با عنوان «دفتر» یا «کلام» یاد می‌کنند. این منابع از قدیم‌الایام به‌صورت منظوم جمع‌آوری شده است. دفاتر نزد این فرقه تقدس دارند و در مراسم مختلف توسط اشخاصی به‌نام کلام‌خوان همراه با نواختن تنبور خوانده می‌شوند. کلام‌ها به زبان‌های کردی، لری، ترکی و گویش لکی سروده شده‌اند و دفاتر کردی در رأس سایر دفاتر قرار دارند و سایر کلام‌ها به‌نوعی مفسر و بازگوکنندهٔ دفاتر کردی‌اند. یارسان بر این باورند که سراینندگان متون کلامی - که معمولاً بی‌سواد بودند - در سیری شهودی بیانات خود را از عالم ملکوت اخذ کرده‌اند (القاصی، ۱۳۶۲، ص ۹-۸).

در منابع مکتوب و بیانات شفاهی به‌طور صریح به دو مفهوم نبوت عامه و خاصه اشاره نشده؛ اما در جای‌جای کلامات ایشان اقرار به نبوت انبیای پیشین و پیامبر اسلام ﷺ مشهود است. از نظر ایشان، خداوند متعال پیامبران را برای هدایت بشر و معرفت یافتن انسان به پروردگار فرستاده است و مراحل کمال جز از راه شناخت انبیا حاصل نخواهد شد (صفی‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۳۰)؛ چنان‌که در کلام یکی از پیشوایان یارسان این‌گونه آمده است:

خدای هم‌تان قرینش نین آیهٔ رسولیم و اوم دین
(سیدجوادی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۶۶۰)

یعنی: خدا در وجودش بی‌هم‌تاست و قرینه‌ای ندارد و رسولان را فرستادهٔ او می‌دانیم.

پژوهشگرانی که منسوب به آیین یارسان بوده و در میان ایشان شناخته‌شده‌اند، دربارهٔ ضرورت دین و ارسال رسل گفته‌اند: دین راه ارتباطی بین خالق و مخلوق است و برای تبیین این اصل مهم، انسان‌هایی که به حد‌اعلای خدانشناسی رسیده‌اند، به رسالت مبعوث شدند. تعداد ایشان از آدم تا خاتم ﷺ ۱۲۴ هزار نفر بوده است (نیک‌نژاد، بی‌تا، ص ۲).

۳-۱. نبوت عامه

در دفاتر کلامی آیین یارسان، اسامی بسیاری از پیامبران ذکر شده که نمایانگر قبول نبوت عامه به‌عنوان یکی از آموزه‌های اعتقادی یارسان است. مجید القاصی اذعان دارد که پیروان آیین یارسان به همهٔ پیامبران اعتقاد دارند. وی

در این باره می‌نویسد: «مردم یارستان نبوت را برای تمام پیغمبران، مخصوصاً خاتم‌النبین ﷺ، قبول داشته و او را آخرین پیامبر الهی می‌دانند» (القاصی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۲). شیخ‌امیر زواله‌ای از کلام‌سرایان یارسانی است که در قرن دوازدهم

هجری می‌زیسته است و از حضرت یعقوب، یوسف و ایوب ﷺ چنین یاد می‌کند:

نه جسه یعقو پرده لیل و چم هر تا بوی یوسف ماما دمادم
کی وینه یوسف جفای یار کیشا یام وینه ایوب گه پیشش ایشا
(شاه‌ابراهیمی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰)

یعنی: یعقوب که پرده تاریکی چشمانش را گرفته بود، دمادم بوی یوسف به مشامش می‌رسید. چه کسی مانند یوسف آزمایش یار (پروردگار) را تحمل کرد؟ یا مثل ایوب تمام بدنش به بیماری مبتلا گشت؟

داستان تخریب بت‌خانه به امر خداوند متعال توسط حضرت ابراهیم ﷺ و در آتش افکنده شدن او به دستور نمرود،

در بیان پیر شمس‌الدین، از مشاهیر اهل حق در قرن هشتم هجری، به گونه‌ای دیگر بیان شده است:

بت و بتخانه‌ش کرد و ورد یام
و فرمان شاو و امر خواجام
بی و گلستان ناهر بی ابرام
(صفی‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۸۶)

یعنی: بت و بت‌خانه را ویران کرد. آتش به امر پروردگار برای ابراهیم به گلستانی تبدیل شد.

۳-۲. نبوت خاصه

یارسان نه تنها نبوت، خاتمیت و حقانیت رسول اکرم ﷺ را پذیرفته است، بلکه دوره نبوت محمدی ﷺ یکی از ادوار اصلی

در کلامات و دفاتر پیران آنهاست (سلطانی، ۱۳۸۵، ص ۶۵). شاه‌خوشین در این باره می‌گوید:

محمد نه لطف حق مکرش رجا نه صو تا ایوار مکرد ایوالله
دین شریعت او رواج کردن بزنان و عین اقرار و شرطن
روزی نه وعده محمد نه معراج راهی بی نه راه ورچه نارساج
نه گنبد خضرا گذرش کردن قدرت و قالب بشر آوردن
چون ریاضتش و حق بی واصل و جامع یاری او روز بی داخل
معجز نمانا و رای شریعت نه وعده اقرار او کردش بیعت
نه هر طرف دانگاه مکرش سرو آستانه یاری سپردش
(افضلی، ۱۳۵۰، ص ۱۹-۲۰؛ سلطانی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹)

یعنی: محمد ﷺ از لطف خدا مسیر روحانی و باطنی را طی کرد و از بام تا شام در تأیید فرموده حق بود. دین شریعت را او رواج داد. بدانند که این طبق اقرار و شرط ازلی است. روزی در وعده معلوم، محمد ﷺ در معراج در طی مسیر باطنی بود. پیش از طلوع آفتاب از گنبد خضرا عبور کرد؛ بعد به عالم جسم نزول کرد. چون سیر و سلوک او مورد قبول خداوند واقع شد، آن روز به جامه یاران قدسی خداوند داخل شد. در راه شریعت معجزه (قرآن) نشان داد. در وعده اقرار بیعت کرد و به هر سو که می‌نگریست، حق را می‌دید و سر به آستانه یار ازلی سپرد.

نویسنده کتاب شناخت رهروان عشق علی (اهل حق)، ضمن گلابه از کسانی که یارسان را متهم به عدم اعتقاد

به نبوت می‌کنند، می‌نویسد:

بعضی‌ها برای متهم کردن اهل حق و مشوب کردن اذهان عمومی درباره آنها، گفته‌اند که مردم اهل حق حضرت پیامبر ﷺ و نبوت او را قبول ندارند؛ لذا باصراحت عرض می‌شود این‌گونه شایعات صد درصد مردود و زائیده افکار مغرضین و تفرقه‌اندازان و یا افراد عامی و بی‌اطلاع می‌باشد (موحدی بشیری، ۱۳۵۷، ص ۹۸).

وی برای تأیید سخن خود به کلامی از خان الماس لرستانی، از پیران برجسته سلسله آتش‌بیگی، درباره نبوت استناد می‌کند:

دین ژ نبین ژ نبین

مذهب ژ جعفر دین ژ نبین

سنت و ملت ابراهیم نبین

(موحدی بشیری، ۱۳۵۷، ص ۱۰۰)

یعنی: دین از نبی است؛ دین از نبی است؛ مذهب از امام جعفر صادق ﷺ است و دین از نبی؛ سنت و ملت کنونی، همان سنت و ملت ابراهیم نبی ﷺ است.

این پژوهشگر معتقد است که بر اساس این سند زنده و قدیمی، یارسان نه تنها به نبوت پیامبر گرامی ﷺ و مذهب جعفری (شیعه اثناعشری) ایمان دارند، بلکه از سنت ابراهیم خلیل ﷺ نیز پیروی می‌کنند.

محمدعلی سلطانی، از نویسندگان یارسان پژوه، اظهار می‌کند که عدم پذیرش نبوت در یارسان اتهام ناروا به این فرقه است و کلام‌های یارسان بر نبوت، به‌ویژه نبوت خاصه، تأکید دارند؛ چنان‌که درباره اعتقاد به نبوت خاصه گفته‌اند:

اینکه می‌گویند که اهل حق از نبوت حضرت محمد ﷺ چشم پوشیده و به الوهیت علی ﷺ پرداخته و اتهام به عدم

پذیرش نبوت را بر اهل حق روا می‌دارند، اهل حق بر طبق کلام و مکتوبات محفوظ اعتقادی، نبوت حضرت رسول

اکرم ﷺ و حقانیت و خاتمیت آن حضرت را پذیرفته است» (سلطانی، ۱۳۸۵، ص ۶۵).

در برخی از ادعیه، مانند دعای رخصت یا دعای پایان حلقه جم، به‌صراحت از امام علی ﷺ و نبی مکرم اسلام ﷺ با مضامین ذیل یاد شده است: «یا علی، ای والله، خار و مار حواله ذوالفقار، پس و پیش فقرا، الله و محمد و علی یار، هر که درآید، برآید؛ هر که درافتد، برافتد از دم...» (بابازاده، ۱۳۴۷، ص ۸۹).

سیدقاسم افضلی، از مسندنشینان معاصر خاندان شاه‌ابراهیمی، ضمن بیان اعتقاد یارسان به اصول اعتقادی شیعه

امامیه، از جمله نبوت، به کلام‌های یارسان استناد می‌کند (افضلی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۶۶۰). نبوت حضرت محمد ﷺ

به‌عنوان نبوت خاصه، از سوی کلام‌سرایان یارسان مورد عنایت قرار گرفته است و ایشان آن حضرت را خاتم پیامبران

الهی دانسته‌اند. پیرتقی شاهویی، از کلام‌سرایان یارسان، می‌گوید:

ده سته یی مه وه ری، ده سته ی ماوه ری شام نییا موحه ممه دوه په یامبه ری

(سلطانی، ۱۳۹۵، ص ۷۳)

یعنی: گروهی را می‌بری و گروهی را می‌آوری. پادشاه محمد ﷺ را به پیامبری برگزید.

میرزا حسین سهرابی از بزرگان یارسان درباره خاتمیت حضرت محمد ﷺ این گونه می‌سراید:

داود پیغمبر بو زبوره موسی بو تورات له کوی طوروه
صحف اورییم و انجیل روح الله له هر چوار هن آیه بسم الله
ای چوار کتیوه ور فرقان بی محمد پیغمبری آخر زمان بی
(سهرابی باتیاراتی گوران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱)

حضرت داود ﷺ پیامبر و صاحب زبور بود و حضرت موسی ﷺ با کتابش تورات در کوه طور با تو هم‌سخن و همراز بود. در کتاب‌های آسمانی، صحف حضرت ابراهیم ﷺ و انجیل حضرت عیسی ﷺ، ملقب به روح‌الله، با نام خداوند آغاز شده و در وصف حق است. این چهار کتاب آسمانی قبل از قرآن نازل شده‌اند؛ درحالی که حضرت محمد ﷺ پیامبر خاتم و آخرین آنها بوده است.

درویش جوزه تفنگچی، از اکابر یارسان (متوفای ۱۲۸۴ق) در کرمانشاه، دین اسلام و نبوت خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ را مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌گوید:

نه کون و مکان نام اللهن دین محمد رسولاللهن
(صفی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۵۹۰)

یعنی: از کون و مکان نام الله به گوش می‌رسد و دین متعلق به محمد رسول الله ﷺ است.

پیر قمرسراوقماشی، از بزرگان یارسان در قرن هشتم، در کلام خود به نحوه هجرت و مصائب پیامبر اسلام ﷺ اشاره می‌کند:

غار مدینه، غار مدینه بارگه شام وستن غار مدینه
پسپسه کولی تارش تئیه بیوز بیوران و خزمت شبنه
(صفی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵)

یعنی: شام در غار مدینه فرود آمد؛ در آن هنگام عنکبوتی تار تنید؛ پس از آن هزاران بینوا و درمانده به خدمتش آمدند.

قوشچی‌اوغلی، از سرسپردگان آیین یاری، در کلام خود به نبوت حضرت محمد ﷺ پرداخته است:

یارنر ئیه وز خاوندکار دور نه عجب شرط و شون هم راهی واردور
رسول الله دوراونون یار و حبیبی امیرالمؤمنین تک شیری واردور
(بی‌نام، ۱۳۸۲، ص ۱۹)

یعنی: یارستان صاحب شما خاوندکار است؛ با راهی عجیب که همان راه خاوندکار است؛ رسول الله هست حبیب او، امیرالمؤمنین که مثل شیری پشت و پناه او بود.

در کلامی دیگر از قوشچی‌اوغلی، به امام علی ﷺ و نبی مکرم اسلام ﷺ ابراز محبت شده، که بیانگر باور یارسان به اصول نبوت و امامت است.

ابراهیم ملتیم هم این آدم محمد حبیبم علی ولیمدور
(بی‌نام، ۱۳۸۲، ص ۱۹)

یعنی: ما امت ابراهیم و این آدم هستیم؛ محمد عزیز من است و علی ولی من است.

هر گوپولده خوف الله مهر محمد اولمیا او تشنه دیور گورمگه دیدار بیچون
(بی‌نام، ۱۳۸۲، ص ۱۶۲-۱۶۳)

یعنی: هر قلبی که ترس از حق و مهر محمد نداشته باشد، او تشنه دیدار حق نیست.

«قول ولی»، یکی دیگر از شخصیت‌های یارستانی، پیامبر ﷺ را راهنمای شریعت معرفی می‌کند و هدف نبی

مکرم اسلام ﷺ و امام علی ﷺ را یکی می‌داند و دیگران را به تبعیت از ایشان تشویق می‌کند:

محمد دور شریعت رهنمائی یارین اصلین دسیم اصلی ردادور

محمد و علی نین یولون وارنلار هزاران مرحبا هامر مرحبا دور

(بی‌نام، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶)

مجید القاصی درباره نبوت در یارسان اظهار می‌کند: «پس از تجمع انسان‌ها در نقاط مختلف جهان، پیامبرانی بر حسب شرایط زمان و مکان ظهور نموده، که چهار پیغمبر دارای کتاب عبارت‌اند از: حضرت داود، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد خاتم‌النبین» (القاصی، ۱۳۶۲، ص ۴)؛ اما برخلاف مرحله شریعت، که تعداد پیامبران را ۱۲۴ هزار نفر می‌داند، در دفاتر آیین یارسان تعداد ایشان نیامده است؛ بلکه آنها انسان‌هایی معرفی می‌شوند که تجلی‌گاه قدرت‌های حقانی‌اند و هر کدام توانسته‌اند منشأ خیر و صلاح برای بشر باشند (القاصی، ۱۳۶۲، ص ۴).

«سرسپردگی» از آداب مهم آیین یارسان است که والدین باید برای نوزاد خود انجام دهند تا نوزاد در زمره یارسانیان قرار گیرد. این دعا سرشار از مضامین اسلامی - شیعی است و بر اصولی همچون توحید، نبوت و امامت تأکید دارد و با قرائت این دعا سرسپردگی محقق می‌شود. دعای یادشده به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم. ارادت كل، پیروان این صفات، الحمدلله، سر دادیم در راه خدا، از قول اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، از قطار آدم صفی الله، از دین حضرت رسول الله، از مذهب جعفر اولیا، داخل شدیم به سلسه پنج تن آل عبا، در عالم ذرات، دادیم، بله، بنده خداییم، صوت جلی هست محمد، دوستار علی، اولم تو بودی، آخرم تو باشی، در حساب راه شریعت، خالص شدیم در طریقت، داخل شدیم در خانه حقیقت، سر دادن یارسان، پیروی ارکان، قائمی میزان که سر بدر خشد چون گوی در میدان، دل نلغزد از عهد و فرمان، بسته گردد آنچه پلیدی است، در حق آدم صفی الله و پیروان این خاندان، به حق علی ان شاء الله تعالی (ایزدپناه، ۱۳۵۵، ص ۳۶).

خاندان آتش‌بیگی دعای دیگری دارد که در آن، باور به نبوت خاصه نمایان است:

ارادت كل، پیرو كل صفات، بنده قول شریعت، گوینده اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، امت محمد حبیب الله، محب دوازده امام قدرت الله، مذهب امام جعفر صادق به زمره اولیاء الله، داخل به سر چهل تنان گنبد خضراء، سر دادیم به آداب سر مگو، بلی امت محمدیم، جان نثار علی و... (سلطانی، ۱۳۸۱، ص ۶۲).

همچنین از وسایل مورد نیاز مراسم سرسپردگی در خاندان‌های آیین یارسان، «سکه محمدی» است (خواجهدین، ۱۳۶۲، ص ۵۷)، که درباره آن چنین آمده است: سکه هویزه برای مریدان به لحاظ اینکه منقوش به کلامات لا اله الا الله، محمداً رسول الله و علیاً ولی الله بود، ارزش خاصی داشته و مریدان آن را مقدس شمرده و در مراسم سرسپردگی تمامی خاندان‌ها وجود این سکه‌ها لازم بوده است (دلفانی، ۱۳۹۲، ص ۵۵).

۴. تحلیل و بررسی

با اینکه غالب پیروان آیین یارسان خود را مسلمان می‌دانند و در منابع اولیه ایشان بحث نبوت به صورت چشمگیر وجود دارد، اما این آموزه اسلامی در شکل اصیل و راستین خود مطرح نشده است و با ابهامات و انحرافات روبه‌روست.

خدابنده، از پژوهشگران حوزه یارسان، معتقد است:

اعتقاد به نبوت در میان اهل حق همراه با اعتقاد به حلول و تناسخ بوده است که معتقدند عده‌ای از پیشوایان آنها مثل هفتنان، هفتوان، هفت‌سردار و قولطاسیان در اعصار گذشته در جامه پیامبران، صحابه پیامبر اسلام ﷺ و ائمه و یاران آنها و عرفا و سلاطین به دنیا آمده و به ارشاد و هدایت مردم جهان پرداخته‌اند (خدابنده، ۱۳۸۲، ص ۱۰۴).

مجید القاصی از سرسپردگان آیین یارسان درباره باور ایشان به رسالت انبیای الهی به اندیشه خاص این فرقه که متأثر از دونالدون است، اشاره می‌کند (القاصی، ۱۳۶۲، ص ۱۱).

بر اساس اندیشه دونالدون و مبانی اعتقادی یارسان، هرگاه ذات حق در انسان تجلی پیدا کند، چنین انسانی متجلی از «ذات حقانی» است و به او «ذات مهمان» هم گفته می‌شود (رستمی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۹). در نتیجه این باور، شخصی که ذات مهمان است، مقام، منزلت و قدرت او مانند مقام، منزلت و قدرت خداوند متعال است و در میان یارسان افراد محدودی مانند امام علی علیه السلام، شاه‌خوشین لرستانی و سلطان اسحاق دارای چنین مقام و جایگاهی هستند. بنا بر این اعتقاد یارسان است که ایشان را «علی‌اللهی» خطاب قرار می‌دهند و هرگاه فرشته‌ای در جامه بشری وارد شود، مظهر صفات حق تعالی خوانده می‌شود. این معنا و مفهوم از گواهی دونی بزرگان یارسان در کلام‌های آیین یاری هویداست و در اندیشه یارسان، پیامبران اولوالعزم در ردیف انسان‌های دارای مظهر صفات الهی به‌شمار می‌روند (رستمی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۹). بنابراین در نگاه سرسپردگان یارسان، پیامبر به کسی گفته می‌شود که از ناحیه خداوند متعال مبعوث شده و ملک در او حلول کرده باشد که به او «ذات ملک» یا «ملک مهمان» گفته می‌شود و روحی که در پیکر پیامبر وجود دارد، در سیر گردش روح (دونادون) به پیکر و جسم یکی از انبیای بعد حلول می‌کند (رستمی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹).

همچنین شاه‌ابراهیم، متوفای قرن نهم در بغداد، خود را ابراهیم فرزند آذر دانسته که بت‌ها را شکسته و به پیامبری منصوب شده است.

ابراهیم پیام فرزند آذر بتم شکست دا بيم پیامبر

(شاه‌ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۳۳۸)

وی با اعتقاد به دونالدون، خود را دون حضرت ابراهیم علیه السلام دانسته و افعال آن حضرت را به خود نسبت داده است. در یکی از دفاتر آیین یاری، ضمن بیان ماجرای تولد حضرت علی علیه السلام بیان می‌شود:

اوروه دره
بارگای شام وستن اوروه دره
سلمان بنیامین داود قنبره
بیر موسی وزیر کاکای جابره
فاطمه رمزبار شیرین بشره
سید محمد نازار او پیغمبره
(هاموش، ۱۳۸۶، ص ۴۳)

یعنی: در آن سرزمین و دره، بارگاه شاه دین برپا گشت؛ در آنجا بنیامین در دون سلمان، داود در دون قنبر، پیرموسی در دون جابر بود. بدانید که رمزبار در جامه فاطمه و سیدمحمد نازار در دون پیغمبر ﷺ بود.

بر اساس این کلام و بنا بر اصل دونادون، پیروان آیین یارسان «سیدمحمد گوره سوار» را دون پیامبر اسلام ﷺ می دانند
شیخ امیر در کلامی دیگر که ناظر به دونادون است، خود را دون پیامبر اسلام ﷺ دانسته و چنین معرفی کرده است:

نه خدمتش بیم او نور جمینه
رسولش پیام از چه مدینه
ابن عبدالله پیام ابن آمینه
رای شرعمان نیا ظاهری دینه
دین شریعت نیامان و آزار
رواجش مولام کرد و ذوالفقار
(شاه ابراهیمی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۵)

یعنی: در خدمت نور و زمین و آسمان (خداوند) بودم، که وظیفه رسالت را بر عهده داشتم. فرزند عبدالله و آمنه و شریعت را برای امور ظاهری دین بنا کردیم و در این راه مصائب زیادی وجود داشت. بعد از آن توسط مولا علی ﷺ این شریعت رواج یافت و به کمال رسید.

تأثیر دونادون بر نبوت در آیین یارسان مهم ترین ابهام و انحراف به شمار می رود که در آن، نبوت به عنوان حقیقتی که در ادیان آسمانی بدان اشاره شده، اصالت خود را از دست داده و در قالب دونادون و گردش ارواح معنا پیدا کرده است. در این مقام، نبوت در حد پیران و بزرگان یارسان تنزل یافته است (خواجهدین، ۱۳۶۲، ص ۱۵) و همان طور که در مثال های متعدد بدان اشاره شد، بزرگان یارسان خود را دون یکی از پیامبران الهی یا پیامبر اسلام ﷺ دانسته اند.

از اشکالاتی که تأثیر دونادون بر نبوت پدید آورده است، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

هدف دونادون و گردش ارواح از منظر یارسانیان، تکامل و ترقی روحی افراد است (خواجهدین، ۱۳۶۲، ص ۴۱)؛ درحالی که این موضوع براساس کلامات موجود یارسان نقض می شود و این گردش به جای صعود، در سیر نزولی قرار گرفته است. برای مثال، باید گفت که در میان این کلامات، به وضوح از پیامبرانی نام برده شده است که در مرتبه عالی نبوت قرار داشته اند؛ اما در سیر دونی خود تنزل یافته و در افراد ناشناخته یا کمتر شناخته شده حلول کرده اند؛ مثلاً شخصی به نام شاه ابراهیم، از پیران یارسان، خود را دون حضرت ابراهیم ﷺ می داند که در روزگار خود با بت پرستی مقابله کرده است (شاه ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۳۳۸).

بر اساس تقسیمی که از مراحل چهارگانه گذشت، یارسانیان اولین دوره را از زمان حضرت آدم ﷺ تا آخرین فرستاده،

یعنی خاتم الانبیاء ﷺ دانسته و آن را مرحله شریعت نام نهاده‌اند (طاهری، ۲۰۰۹، ص ۱۴۹-۱۵۰) و ضرورت رسالت و حضور پیامبران را مختص این دوران پنداشته و با ورود به دوره‌های بعدی، التزامی به نبوت پیامبران الهی نداشته‌اند؛ بلکه با التزام به دونالدون، پیران و مشاهیر خود را در جایگاه انبیا قرار داده‌اند. با پذیرش این موضوع که سیر گردش ارواح در دونالدون باید صعودی باشد، بسیاری از اشخاصی که خود را دون پیامبران گذشته معرفی کرده‌اند، از شائیت و جایگاه اجتماعی و علمی آن پیامبران برخوردار نبودند.

نتیجه‌گیری

با بررسی آرا و اقوال یارسان درباره مسئله نبوت، درمی‌یابیم که نبوت عامه و خاصه مورد پذیرش ایشان است؛ اما این آموزه در میان ایشان با انحرافات روبه‌روست. در آرا و منابع کلامی مکتوب این آیین، چند اشکال اساسی به نظر می‌آید:

- یارسانیان درباره انبیا و اولیای الهی قائل به دونالدون هستند.
- ایشان در عمل، خود را ملزم به شناخت معارف، احکام و شریعت پیامبران نمی‌دانند.
- پیروان یارسان، با اینکه قاطبه آنان خود را مسلمان می‌دانند، بسیاری از احکام خود را از پیران آیین یارسان دریافت می‌کنند و به شریعت محمدی ﷺ پایبندی کمتری نشان می‌دهند.

ایشان به دلیل اعتقاد به تجلی ذات الهی در امام علی علیه السلام، مقام وی را بالاتر از مقام پیامبر اسلام ﷺ می‌دانند.

منابع

افضلی، قاسم (۱۳۵۰). دفتر رموز یارستان. تهران: راستی.

افضلی، قاسم (۱۳۷۵). دایرةالمعارف تشیع. تهران: نشر شهید سعید محبی.

اکبری، محمد (۱۳۸۰). گلستان یارسان ۱ (دو نادن). بی جا: بی نا.

القاسی، مجید (۱۳۶۲). مجموعه آیین یاری، اندرز یاری، رمز یاری. تهران: طهوری.

الهی، نورعلی (۱۳۷۳). برهان الحق، تهران: جیحون.

ایزدپناه، حمید (۱۳۵۵). اهل حق در لرستان. مجله کاوه (مونیخ آلمان)، ۶۰(۱۴)، ۳۶-۳۸.

بابازاده، پرویز (۱۳۴۷). حماسه پرشکوه اهل حق: چهل تنان. تهران: درخشان.

بی نام (۱۳۸۲). دفتر کلامات ترکی. ترجمه ن. چهل اختران. همدان: بی نا.

جیحون آبادی، نعمت‌الله (۱۳۶۱). حق‌الحقایق یا شاهنامه حقیقت (تاریخ منظوم بزرگان اهل حق). مقدمه محمد مکرری. تهران: طهوری.

حسینی، حسین (۱۳۹۷). بررسی تحلیلی فرقه اهل حق. قم: ذکر.

خدابنده، عبدالله (۱۳۸۲). شناخت فرقه اهل حق. تهران: امیرکبیر.

خواجهدین، محمدعلی (۱۳۶۲). سرسپردگان تاریخ و شرح عقاید دینی و آداب و رسوم اهل حق (یارستان). تهران: منوچهری.

دلفانی، سیاوش (۱۳۹۲). پیدایش سلسله اهل حق. تهران: منشور امید.

رستمی، منصور (۱۳۹۲). بازشناسی آیین یارستان (اهل حق). قم: رسالت یعقوبی.

رستمی، منصور (۱۳۹۵). تبیین ظهور دوره حقیقت از نگاه کلام یارسان (اهل حق). تهران: مبین اندیشه.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۱). تاریخ خاندان‌های حقیقت و مشاهیر متأخر اهل حق در کرمانشاه. تهران: سها.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۵). حریم حق. تهران: سها.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۹۳). درون مایه‌های مشترک در سرانجام، ولایت‌نامه، بوپوروق. تهران: سها.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۹۵). حماسه ملی ایران در اعتقاد علویان یارسان. تهران: انتشارات اطلاعات.

سوری، ماشاءالله (۱۳۴۴). سروده‌های دینی یارستان. تهران: یارستان.

سهرابی بانبارانی گوران، حسین (۱۳۸۸). شمیم گل‌های کوه دلاهو. تهران: زوار.

سیدجوادی، احمد، خرمشاهی، بهاء‌الدین و فانی، کامران (۱۳۷۵). اهل حق، دایرةالمعارف تشیع. تهران: نشر شهید سعید محبی.

شاه‌ابراهیمی، امرالله (۱۳۷۴). دفتر کلام شیخ‌امیر و سیدفرضی و شرح احوالات آتیمور بانبارانی. صحنه: جمخانه شاه‌ابراهیمی.

شاه‌ابراهیمی، امرالله (۱۳۹۴). کلام (شامل کلام‌های دوره شاه‌خوشین، پیرپیرالی، سیده‌شسانی، کله‌زرده، مأموریت حضرت مصطفی،

ملک طیار، قولتاس، یادگار، زلال، زال، سید خاموش، خان‌احمد، باباحیدر، زنور، آتیمور). صحنه: جمخانه سیدامرالله شاه‌ابراهیمی.

صفی‌زاده، صدیق (۱۳۷۵). نامه سرانجام یا کلام خزانه؛ یکی از متون کهن یارستان. تهران: هیرمند.

صفی‌زاده، صدیق (۱۳۸۷). اهل حق پیران و مشاهیر. تهران: حروفیه.

طاهری، طیب (۲۰۰۹). تاریخ و فلسفه سرانجام، شرحی بر نحله‌های فکری و اعتقادی در کردستان فرهنگ یارسان. اربیل (اقلیم

کردستان عراق): موکریانی.

فرخ‌منش، صحبت (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر دین و روان یا تأکید بر اهل حق. تهران: مؤلف.

لطفی، جواد و سلطانی، مصطفی (۱۴۰۰). خوانشی انتقادی به جریان‌های نوظهور آیین یارسان (اهل حق). شیعیه پژوهشی، ۲۱(۸)،

ملا میری کجوری، احمد (۱۳۸۷). *اهل حق و تحقیقی در رابطه با اهل حق*. بی‌جا: نشر مرتضی.
محمدی، محمد (۱۳۸۴). *پژوهشی دقیق در اهل حق، تاریخچه، عقاید، فقه*. تهران: پازینه.
مرادی، گلمراد (۱۹۸۶). *نگاهی گذرا به تاریخ و فلسفه یارسان*. آلمان: هایدلبرگ.
موحدی بشیر، داود (۱۳۵۷). *تساخت رهروان عشق علی^{علیه السلام} اهل حق*. بی‌جا: بهرام.
نیک‌نژاد، سید کاظم (۱۳۷۵). *آیین یاری*. بی‌جا: بی‌نا.
نیک‌نژاد، سید کاظم (بی‌تا). *آثار یاری*. بی‌جا: بی‌نا.
هاموش (۱۳۸۶). *آداب و ارکان یارسان*. کرد غرب: بی‌نا.

- Afzali, Qasem. (1971). *Daftar-e ramoz-e yaristan*. Tehran: Rasti.
- Afzali, Qasem. (1996). *Dayeratolmaaref-e tashayyo*. Tehran: Nashr-e Shahid Saeed Mohbi.
- Akbari, Mohammad. (2001). *Golstan-e yarsan 1 (donadon)*. Place of publication not specified: No publisher.
- Alqasi, Majid. (1983). *Majmueh-e ayin-e yari, andarz-e yari, ramz-e yari*. Tehran: Tavahori.
- Anonymous. (2003). *Daftar-e kalamat-e torke*. Translated by N. Chehalakhtaran. Hamedan: No publisher.
- Babazadeh, Parviz. (1968). *Hamaseh-ye porshokoohe ahle haqq*: Chehel-tanan. Tehran: Derakhshan.
- Delphani, Siavash. (2013). *Peydesh-e selaseh-ye ahle haqq*. Tehran: Monshour Omid.
- Elahi, Nur Ali. (1994). *Barhan-alhaq*. Tehran: Jayhoon.
- Farokhmanesh, Sobhat. (2003). *Moghadameh-i bar din va ravanshenasi ba takid bar ahle haqq*. Tehran: Author.
- Hamush. (2007). *Adab-o-arqan-e yarsan*. Kamyaran: No publisher.
- Hoseini, Hosein. (2018). *Barrasi-e tahlili-e faregh-e ahle haqq*. Qom: Zakari.
- Izadpanah, Hamid. (1976). *Ahle-e haqq dar Lorestan*. Kaveh (Munich, Germany), 60(14), 36-38.
- Jayhoonabadi, Neamatollah. (1982). *Haq-alhaqa'eq ya shahnameh-ye haqiqat (tarikh-e manzoom-e bozorgan-e ahle haqq)*. Introduction by Mohammad Makki. Tehran: Tavahori.
- Khodabandeh, Abdollah. (2003). *Shenakht-e faregh-e ahle haqq*. Tehran: Amir Kabir.
- Khojadin, Mohammad Ali. (1983). *Sar-sepordegan-e tarikh va sharh-e aghayed-e dini va adab-o-rasoom-e ahle haqq (yarastan)*. Tehran: Manouchehri.
- Lotfi, Javad, & Soltani, Mostafa. (2021). *Khavanshi-ye enteqadi bar jaryan-haye novin-e ayin-e yarsan (ahle haqq)*. *Shi'a Studies Research Journal*, 21(8), 247-270.
- Malami Kajouri, Ahmad. (2008). *Ahle haqq va tahqiqi dar rabete ba ahle haqq*. Place of publication not specified: Nashr-e Mortaza.
- Mohammadi, Mohammad. (2005). *Pazhuheshi-e daqiq dar ahle haqq, tarikhcheh, aghayed, feqh*. Tehran: Pazineh.
- Moradi, Golmohammad. (1986). *Nigahi gozara be tarikh va falsafeh-ye yarsan*. Heidelberg, Germany: Heidelberg University Press.
- Movahedi Bashir, Davoud. (1978). *Shenakht-e rahvaran-e eshq-e ali ahle haqq*. Place of publication not specified: Bahram.
- Niknejad, Seyd Kazem. (1996). *Ayin-e yari*. Place of publication not specified: No publisher.
- Niknejad, Seyd Kazem. (No date). *Athar-e yari*. Place of publication not specified: No publisher.

- Rostami, Mansour. (2013). Bazshenasi-ye ayin-e yarastan (ahle haqq). Qom: Rasoul-e Ya'qoubi.
- Rostami, Mansour. (2016). Tab'in-e zohur-e dowreh-ye haqiqat az negah-e kalam-e yarsan (ahle haqq). Tehran: Mobin Andisheh.
- Safizadeh, Sedigh. (1996). Nameh-ye saranejam ya kalam-e khazaneh; yeki az matn-haye kohane yarastan. Tehran: Hirmand.
- Safizadeh, Sedigh. (2008). Ahle haqq piran va mashahir. Tehran: Horoufiyeh.
- Sayejavadi, Ahmad, Khorramshahi, Bahauddin, & Fani, Kamran. (1996). Ahle haqq, dayeratolmaaref-e tashayyo. Tehran: Nashr-e Shahid Saeed Mohbi.
- Shahabrahimi, Amrollah. (1995). Daftar-e kalam-e sheikh-amir va seyedfarzi va sharh-e ahval-e atimour baniarani. Sahneh: Jamkhaneh-e Shahabrahimi.
- Shahabrahimi, Amrollah. (2015). Kalam (including speeches of Shah-khoshin, pir-e pirali, seyde shabani, kaleh-zardeh, mamooriat-e hazrat mostafa, malek tayyar, gholtas, yadegar, zalal zalal, seyde khamoush, khan-ahmad, babahider, zenour, atimour). Sahneh: Jamkhaneh-e Seyd Amrollah Shahabrahimi.
- Sohebi Baniarani Goran, Hosein. (2009). Shamim-e gol-haye kuh-e dalahoo. Tehran: Zavvar.
- Soltani, Mohammad Ali. (2002). Tarikh-e khanevadeh-haye haqiqat va mashahir-e motakhir-e ahle haqq dar Kermanshah. Tehran: Sooha.
- Soltani, Mohammad Ali. (2006). Haram-e haq. Tehran: Sooha.
- Soltani, Mohammad Ali. (2014). Daroonmayeh-haye moshtarak dar saranejam, velayatnameh, boyourough. Tehran: Sooha.
- Soltani, Mohammad Ali. (2016). Hamaseh-ye melli-e Iran dar eqteqad-e alaviyan-e yarsan. Tehran: Entesharat-e Etela'at.
- Souri, Mashallah. (1965). Sorudeh-haye dini-e yarastan. Tehran: Yarastan.
- Taheri, Tayeb. (2009). Tarikh va falsafeh-ye saranejam, sharhi bar nahleh-haye fekri va eqteqadi dar kordistan-e farhangi yarsan. Erbil (Kurdistan Region of Iraq): Mukriani.